

حسن تجارت (دلالی سوارہ ۳۲ تا ۳۵۵ ق ت)
دلالی ← معاصلہ کاری ذاتی ← م ۲ ق ت

دلالی مورد

دلالی دستعل سحرکی خود ترار دهنه ← دلال ← ماصر
هر دلالی لزماً نیاز به دانستی پروانه یا اکانام هینی در کاب بصدی ندارد.

توقیف ← واسطه

دلالی ← کینوع عا نندی

ترار داد دلالی ← بینی آمر و دلال

ترار داد اصلی ← آمر + طاعت سیله ← ترار داد هیاره
ترار داد سیله

قرار داد لای ← عود حقوق ← عوض - معوض

عود رضایی ← ایاب و ریتل
عود عهری
عود جانز
عود ارثی

اگر شخصی به صدی به لای به دن مجرب اندام نه رصیت علیه ایام شود

بنده صدی

تو دلال چگونه است؟

فکته استعمال به لای به دن مجرب منحصر است صدی ← عود

در معادله اصلی تأثیری ندارد م ۹ ق ۱۰ راجع به رطلان - حمایت اجرا
کنری

افتمارات (صوت دلال)

(۳۳۶)

۱- دلال می تواند بدین گونه های مختلف دلالی کند و برای خود کفو یا رکن کند.

۲- دلال می تواند برای آموختن مختلف دلالی کند و بدین شان و لغت شرط دارد.

(۳۳۶) بدین آموختن را از این سوختن یا اسور بدین که موفقیت پیوسته و آموختن می شود.

کتاب دلائل و مستدرکات

- ۱۔ در کتب حدیث و تفسیر طریقی و التبریزیات مصلح کنه ← دلائل مستدرکات
- ۲۔ دلائل نبوی توانه علی الاصول به جای یکی از طرفین بحدیث را ابرائیه صبر این که
✓ احادیث عامه کفوی ← ۳۲۸
✓ در مقامه صحیح باشد ← ۲۴۷ ← با امر خود متضاد حاصل
اجرای بحدیث قوا هو و د
- ۳۔ اگر یکی از طرفین ضلاله به اعتبار نقد دلائل محاسبه کنه ← دلائل صاف ضلاله است
- ۴۔ دلائل صاف اعتبار اشیائی که به واسطه دار دلیلی کی کنه و صافی اجرای نقد ضلاله است
به توبه او که سود نیست

دلال صافى اس در زشتى كه به كوتاهى او در ديدلى سوره هست

تو به خط
نست كه در است كه:

الف - حق در آن يا صاحب آن است در مدارك مربوط به او پس
تكمه دلال در آن خصوص از نوع كهد به نيكه است

۴۶۶ ق ۲ - در حالت - به ديكس - به اصلى - قصه

وكس در در صارت و نكته
ثابت سوره

دلیل به حضرت طالع التجاره داریزی آن مسئول مستماری به ثابت شود

کتاب تنقیه به

نقدی در نهج — یکا صیقلی با مبالغی عدم اریب تطورات دینی

هم دینی منع بودن دلیل در مقامه

مسئول صیقل است و اراده + خبری نقدی

با آنکه مسئول اجرای تکلیف به صورت تقاضی

حاجت اجرای عدم اطلاع از دینی در صفوی
دینی منع بودن و یا هم بودن در صلاح

تقاضا

تکفاری نمونه ← دلال حکم است تا آخر معامله اگر روزی نه روزی نمونه باشد
اگر راست روز سه روز است اگر نه از این تکفیر ادراعت کرده باشند (م ۳۴۰)

م ۳۴۲ ← دلال صاف صحت را اعتبار اصنافها را ندارد و شکی
است که به تکرار او برای انجام معامله رد و بدل نشود

م ۳۴۹ ← دلال صاف تمام البیاع را راست است که رضی علیه السلام
را را مالو

اجرت دلال دینی برج

۳۴۸ ← معاملہ ہے (اصلی دلال یا راہنمای اوقاف ہے یا نہ)

(سلفہ سے بات) ← عقدہ ہے

۳۵۰ ← اگر معاملہ شرط ہے تو تعلق باہر زمانی نہیں اجرت کی طور
کہ لے دھن ہے یا نہ

حق جس ← موضوع ← در دلالی سر موضوع حق الملک کاری و نقدی
بہ محل و متعلق حق فیس پر کی دلال و جہر نہ دارد

چه زمانی دل سخی اجرت نیست؟

۱- سخی به واسطه یا راههای ادغام نهی باشد

۲- محاسبات مجموع اجرت ندارد

✓ ۳- دل رفعت دهنده به غیر از سر دهنده نوع طریقت منتهی اندام کرده یا دهنده
دهی قبول کرده یا برضه غایت بخاری کل دهی در اینت گرفته باشد

✓ محانت اجرای بند ۲ ← ۱- عدم استحقاق اجرت

۲- عدم استحقاق خارج
۳- محاسبات قیمت برامانت

✓ ۴- اگر قسوع یا به هم خوردن ملل مستند به دل باشد

مخارج ← اصل بر عدم استحقاق دلال به دریافت مخارج دلالی است بر خلاف

فقدان کار
ممکنه مخارج را دریافت کند
اما اگر شریک باشد به مخارج را دریافت کند می تواند زوداری به دلیل
⑥ عرفیاری عمل دلال را استحقاق دریافت مخارج می داند

نکته: دلال به موجب م ۳۴۹ در صورتی که به طرف خود و طرف مقابل
آورد به تنوع طرف مقابل اتمام کرده باشد یا در حین راهی را از طرف قبول کرده باشد
عرفیاری را می تواند بانه ← استحقاق اجرت و مخارج نیست.

اسم - تویس

اجرت المسیری ← از نیکل سندان میں طرہ سے نکالتی ہے

اجرت الشی ← از نیکل سندان اک میں طرہ سے نکالتی ہے

مسؤل ہر رفت اجرت رالی ← آمر

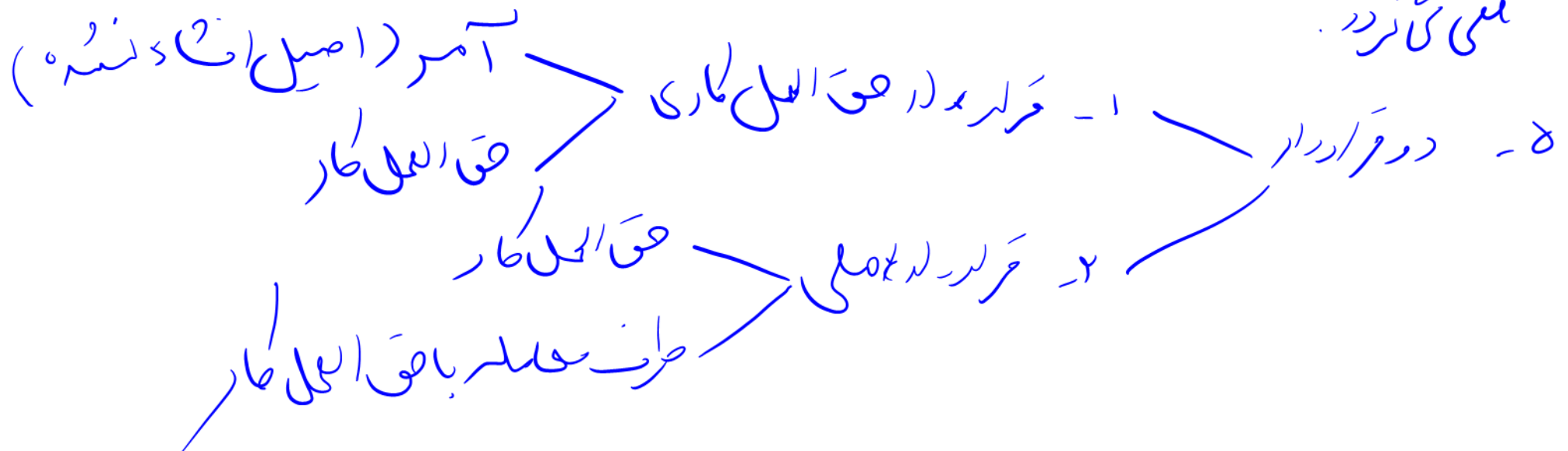
حق العمل کاری

۱- کمی زحمات کاری زای مندر درم ۲ ق ت به بند ۳ م ۲ ق ت

۲- حق العمل کاری نقدی غنی قواعد — باید با رایان شهن هم این عمل کاری بشی

۳- شخصی که حق العمل کاری را شغل محوی خود قرار دهد تا بهر نیتی کار شود.

۴- حق العمل کار در قرارداد اصلی خود طرف معامله می باشد لذا مسئول اجرای تعهدات نیتی کار در





(به نام هورثی)
 ده به صاب آسر
 ح

عینی
 ر موعتر (مستحق)

ارضا - حق الحاکم
 ۱- آراده حق الحاکم می نمودن است

۲- عتقد رضای کسب می شود.
 (ایجاب و سئل)
 ۳- عتقد عتدی است.

عند دین
 عند سر صریح السماع
 عند من
 ح

۴- جانبداری می باشد .

۵- یک عمل جاری رای است

۶- سیدع جانبداری ناقص است .
چون همواره استثناء در نظر
گزارت تابع مورات و کالت در تمام است

تکلیف حق العمل کار :

۱- توفیر اطلاع رسانی به آمر در مورد اقداماتی (۲ ۳۵۹)

۲- حق العمل کار در صورت دستور آمر باید صحبت به احوال موضوع معامله
بجه ای ام دهد . — اصل بر عدم تکلیف حق العمل کار به بجه کردن است

۳- تحقق حق العمل کار « برابر دریافت کلامی دارای عبرت ظاهری از سفته ای ^{حق العمل} می باشد

۴۔ عقد حق الحل کما به ورش مال التجاره سیرع المباد — باید با اطلاع
دارستان یا عاینده او به کل باشد

* سیم فاد :

* بی توانه — اختیار

منع آخر در حق ریاسته در کافقه آبی باید نمود — اصدار

مسئولیت اجرا : مسئولیت

۵۔ مسئولیت حق الحل کما در اطله با ورش مال التجاره به حکم ارشاد حق مور

قوله آخر — اصل — باید تفاوت میست را به آخر برداشت کند

✓ مقرر اینی که ثابت کند که / ارشاد ریاسته علیه که گزاه
✓ تحصیل اجاره در این سال مورد / بینه

